



اریک فروم

انسان برای خویشتن

(پژوهشی در روان‌شناسی اخلاق)

ترجمه‌ی اکبر تبریزی



انتشارات بهجت

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۱۱	فصل ۱ مسئله
۱۷	فصل ۲ اخلاق اومانیستیک: دانش عملی هنر زیستن
۱۸	۱- اخلاق اومانیستیک در برابر اخلاق قدرت‌گرا
۲۴	۲- اصول اخلاقی ذهنی در برابر اصول اخلاقی عینی
۳۱	۳- دانش انسانی
۳۶	۴- سنت اصول اخلاقی اومانیستیک
۴۲	۵- اصول اخلاقی و روان‌کاوی
۵۱	فصل ۳ طبع و منش آدمی
۵۱	۱- موقع انسان
۵۲	الف - ضعف بیولوژیکی انسان
۵۳	ب - دوگانگی‌های زیستی و تاریخی در انسان
۶۳	۲- شخصیت
۶۴	الف - مزاج‌ها
۶۷	ب - منش
۶۷	۱- مفهوم دینامیک منش
۷۵	۲- انواع منش‌ها: جهت‌گیری‌های غیربارور
۷۵	الف - جهت‌گیری گیرنده
۷۷	ب - جهت‌گیری استثماری
۷۹	پ - جهت‌گیری مال‌اندوزی
۸۱	ت - جهت‌گیری بازاری
۹۸	۳- جهت‌گیری بارور
۹۸	الف) خصوصیات کلی
۱۱۰	ب) عشق و تفکر بارور
۱۲۱	۴- جهت‌گیری‌ها در روند اجتماعی کردن
۱۲۷	۵- ترکیب جهت‌گیری‌های مختلف

فصل ۴ مسائل اخلاق اومانیتیک

- ۱۳۳ ۱- خودخواهی، عشق به خود، سود شخصی
- ۱۳۴ ۲- وجدان، بازگشت انسان به خود
- ۱۵۷ الف - وجدان قدرت‌گرا
- ۱۶۰ ب - وجدان اومانیتیک
- ۱۷۵ ۳- خوشی و شادی
- ۱۹۱ الف - خوشی معیار ارزش‌ها
- ۱۹۱ ب - انواع خوشی‌ها
- ۲۰۲ پ - مسئله‌ی وسایل و غایت‌ها
- ۲۱۰ ۴- ایمان به منزله‌ی نشانی از منش
- ۲۱۷ ۵- نیروهای اخلاقی در انسان
- ۲۳۱ الف - انسان، خوب یا شریر؟
- ۲۳۱ ب - سرکوبی در برابر باروری
- ۲۴۷ پ - منش و حکم اخلاقی
- ۲۵۲ ۶- مطلق در برابر نسبی، کلی در برابر اخلاق ذاتی اجتماعی
- ۲۶۰

فصل ۵ مسئله‌ی اخلاق کنونی

- ۲۶۷ رویه‌ی انسان در برابر زور و قدرت
- ۲۶۸

پیش‌گفتار

این کتاب از بسیاری جهات ادامه‌ی کتاب «گریز از آزادی» است، که در آن کوشش کردم تا فرار انسان امروزی را از خود و آزادی خویش مورد تجزیه و تحلیل قرار دهم؛ در این کتاب درباره‌ی اصول اخلاقی، هنجارها و ارزش‌هایی که به درک نفس و استعدادهای نهانی انسان رهنمون است بحث می‌کنم. تکرار بعضی از عقاید و نظراتی که در «گریز از آزادی» آورده شده در این کتاب پرهیز ناپذیر است، و گرچه منتهای کوشش خود را به عمل آورده‌ام تا از تکرار آنها خودداری کنم لیکن نتوانستم بالمره از ذکر بعضی از آن عقاید صرف‌نظر کنم. در فصل «طبع و منش آدمی» درباره‌ی منش‌شناسی^۱ که در کتاب قبلی از آن سخنی به میان نیامده بلکه اشاره‌ی مختصری به آن مسئله شده است بحث کرده‌ام. خواننده‌ای که مایل است تصویر کاملی از منش‌شناسی من داشته باشد باید هر دو کتاب را بخواند، گرچه این امر برای درک و فهم کتاب حاضر ضروری نیست.

شاید برخی از خوانندگان از اینکه روان‌کاوی به مسائل اخلاقی پرداخته و به‌خصوص معتقد است که روان‌شناسی نه تنها باید قضاوت‌های اخلاقی دروغین را طرد کند بلکه می‌تواند پای‌بست بنای هنجارهای با ارزش و عینی رفتار شود متعجب شوند. این عقیده با گرایش متداول در

1 - Characterology.

روان‌شناسی کنونی که بر سازگاری و هماهنگی، و نه «خوبی» تأکید کرده و طرفدار نسبیت‌گرایی اخلاقی است متعارض است. تجربیات من در مقام یک روان‌کاو عملی، این اعتقاد راسخ مرا که مسائل اخلاقی را نمی‌توان از بررسی‌های شخصیت، چه از لحاظ تئوری و چه تشخیص بیماری، حذف کرد تأیید کرده است. احکام ارزشی چگونگی اعمال ما را تعیین می‌کند و سلامت روان و شادکامی ما وابسته به احکام ارزشی ما است. روان‌نژندی^۱ خود، در تجزیه و تحلیل نهایی، علامت نقض اخلاقی است (گرچه سازگاری به هیچ‌وجه دستاورد اخلاق نیست. در بیشتر موارد، بیماری روان‌نژندی، نشان ویژه‌ی تعارض اخلاقی بوده، و موفقیت در معالجه‌ی آن موکول به درک و حل مشکل اخلاقی شخص است.

جداکردن روان‌شناسی از اصول اخلاقی، روشی نسبتاً جدید است. اندیشمندان بزرگ اخلاق اومانیستی قدیم، که مبنای این کتاب بر نوشته‌های آنان استوار است، فیلسوف و روان‌شناس بودند؛ آنان معتقد بودند که درک طبع انسانی و فهم ارزش‌ها و هنجارهای زندگی بشر وابسته به یکدیگرند. از طرف دیگر، فروید و مکتب وی که با طرد احکام ارزشی غیرمعقول سهم به‌سزایی در پیشرفت تفکر اخلاقی دارند درباره‌ی ارزش‌ها معتقد به نسبیت بودند، عقیده‌ای که هم در تکامل تئوری اخلاق و هم در پیشرفت روان‌شناسی اثر منفی دارد.

روان‌کاو مشهور، یونگ^۲، از این گرایش مستثنی است. او عقیده‌مند است که روان‌شناسی و درمان روانی، با مسائل اخلاقی و فلسفی انسان وابستگی ناگسستنی دارند. ولی ضمن اینکه این عقیده به‌خودی‌خود

1 - Neurosis.
2 - C.G.Jung.

دارای اهمیت شایانی است، توجه فلسفی یونگ فقط به واکنشی علیه فروید منجر شد، نه، به روان‌شناسی فلسفی پس از وی. از نظر یونگ «ناآگاهی» و اسطوره منابع جدید الهام شده، و فقط به دلیل اینکه دارای منشأ غیرمعقول هستند بر افکار معقول تفوق پیدا کرده‌اند. این نیروی یکتاپرستی مذاهب جهان غرب و آئین‌های بزرگ چین و هند بود که می‌بایست به حقیقت می‌پرداختند و ادعا می‌کردند که ایمان آنان ایمانی راستین است. در حالی که این اعتقاد راسخ، اغلب سبب عدم تسامح متعصبانه علیه سایر مذاهب می‌گردید ولی احترام به حقیقت را در مؤمنین و منکرین به‌طور یکنواخت برمی‌انگیخت. یونگ در گلچین‌های خود در تحسین از هر مذهب جستجوی درک حقیقت را در تئوری خود کنار گذاشته است. هر سیستم غیرمعقول هر اسطوره و نماد، از نظر وی دارای ارزشی مساوی است. او از نظر مذهبی یک نسبی‌گرا است - نسبی‌گرایی منطقی منفی، نه مخالف که وی علیه آن می‌جنگد. این بی‌منطق‌گرایی اعم از اینکه زیر پرده‌ی اصطلاحات روان‌شناسی، فلسفی، نژادی یا سیاسی باشد نشان پیشرفت نبوده بلکه دلیل ارتجاع است. شکست مکتب اصالت عقل در دو قرن هیجدهم و نوزدهم نه به علت اعتقاد به دلیل و منطق بلکه به سبب ضعف برداشت‌های آن بود. استدلال‌های زیاد و پژوهش‌های بی‌امان در راه کشف حقیقت می‌تواند اشتباهات یک جانبه‌ی مکتب اصالت عقل را اصلاح کند.

روان‌شناسی از فلسفه و اصول اخلاقی و یا جامعه‌شناسی و اقتصاد جدائی‌پذیر نیست. تکیه و تأکید من در این کتاب بر مسائل فلسفی و روان‌شناسی بدین معنی نیست که معتقدم عوامل اجتماعی - اقتصادی